

This PDF was generated on 28/01/2022 from online resources of  
the **Qatar Digital Library**

The online record can be viewed at:

[http://www.qdl.qa/en/archive/81055/vdc\\_100000001452.0x0003c5](http://www.qdl.qa/en/archive/81055/vdc_100000001452.0x0003c5)

It contains extra information, high resolution zoomable views and transcriptions.

## A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a

|                               |   |
|-------------------------------|---|
| <b>Holding Institution</b>    | British Library: India Office Records and Private Papers          |
| <b>Reference</b>              | Mss Eur F111/361  |
| <b>Date(s)</b>                | 11 Aug 1895-23 Jan 1899 (CE, Gregorian)                           |
| <b>Written in</b>             | English and Persian in Latin and Arabic (Nastaliq variant) script |
| <b>Extent and Format</b>      | 1 file (5 folios and a two piece pouch envelope)                  |
| <b>Copyright for document</b> | <a href="#">Public Domain</a>                                     |



### About this record

The file contains two letters (f 1 and ff 2-4), a paper envelope (f 5), and a two piece pouch envelope (unfoliated). The first letter (f 1) is referred to as *khat* (standard letter). The letter is a personal one and it is sent by Abdur Rahman Khan, the Amir of Afghanistan (1880-1901) to Lord George Nathaniel Curzon. It is dated 19 Safar 1313 which is given as 11 August 1895. In the letter, the Amir thanks Lord Curzon for a set of family photos as well as a magic lantern the latter has sent him.

The second letter (ff 2-4) is referred to as *murasaleh* (a type of letter), together with the paper envelope (f 5), and the two piece pouch envelope are called *Kharita*. *Kharita* is an official letter from a paramount power, usually sent in an elaborate silk cover and received with great ceremony. The letter that is part of the *Kharita* is an official one and it is also sent by Abdur Rahman Khan, to Lord Curzon. It is dated Sunday 2 Ramadan 1316 which is given as 15 January 1899. The Amir of Afghanistan is recounting a previous letter that he received from Lord Curzon in which Lord Curzon emphasized the importance of building a strong relationship between the Empire in India and Afghanistan. Lord Curzon also clarified the reasons which caused the late arrival of his letter to the Amir. After recounting the content of Lord Curzon's letter, the Amir of Afghanistan concludes with his congratulations to Lord Curzon on his new position, and emphasized on the strong relations and friendship between the two. The letter has a date in English, 23 January 1899, written in red ink at the top of its first folio.

Both letters are written in Persian on illuminated large white papers. A circular black ink seal holding the

name of the Amir of Afghanistan has been provided at the end of each letter. The four-year gap in the dates given on the letters, as well as the difference in dimensions between the first letter (f 1), when folded, and the paper envelope indicate that this letter is not part of the *Kharita* . Rather, it has been misplaced and eventually ended up in this file.

The second letter was originally folded and kept inside a paper envelope (f 5). The paper envelope is open from the right side corner and has the names of the sender and the recipient. Marks of red sealing wax are still visible on the front side of the envelope. The envelope itself is dated Wednesday 28 Sha'ban 1316 which is given as 11 January 1899, that is four days earlier than the date on the letter (ff 2-4).The paper envelope with the letter inside was placed inside a two piece pouch envelope: a silk pouch and a bobbinet cotton pouch. The dimensions of these two pieces indicate that the bobbinet cotton pouch was used as an outer protective cover for the silk one. The date of the pouch envelope is unknown.

A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [front] (1/20)





A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [back] (2/20)





A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [spine] (3/20)



A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [edge] (4/20)





A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [head] (5/20)

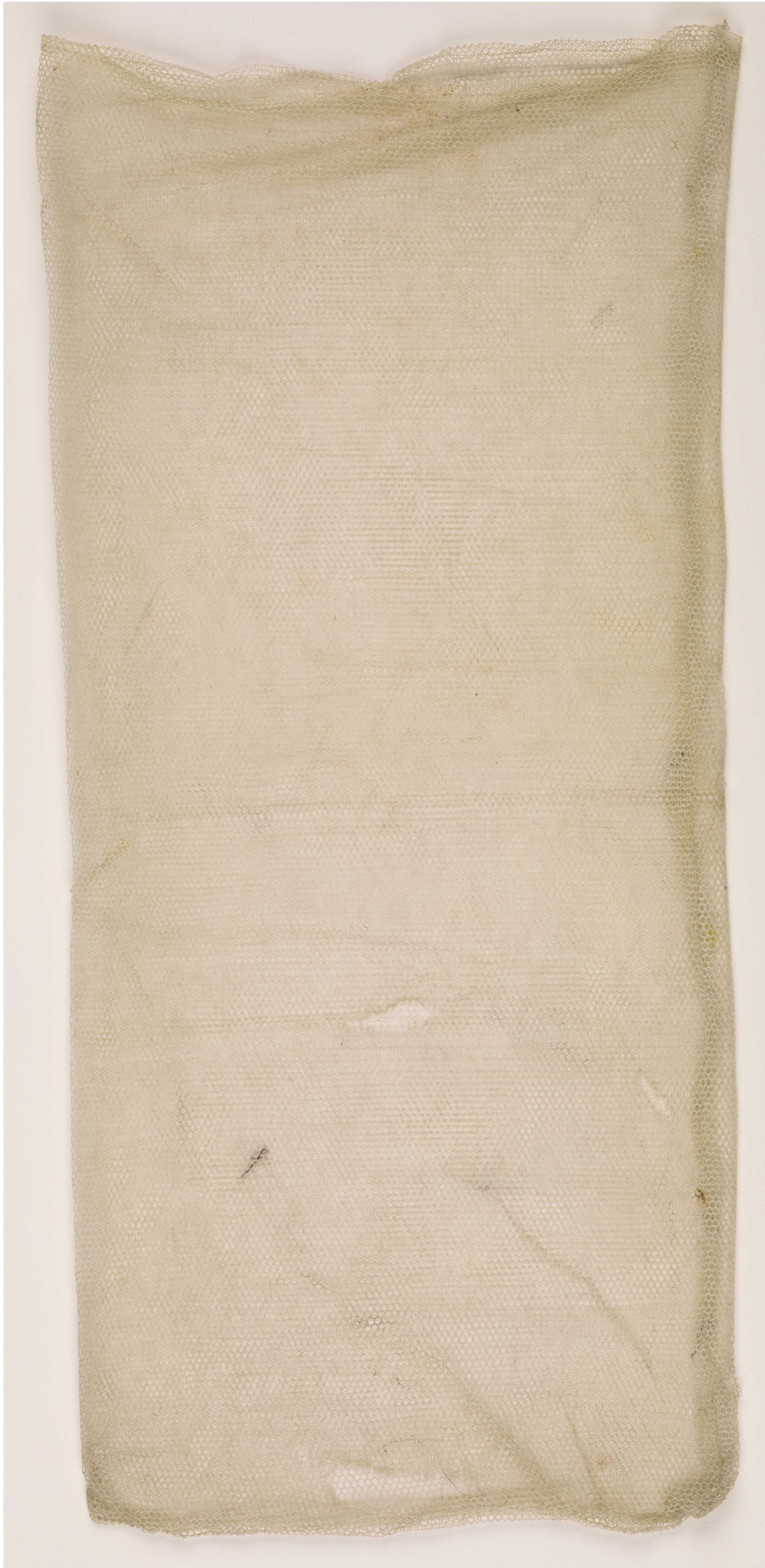


A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [tail] (6/20)



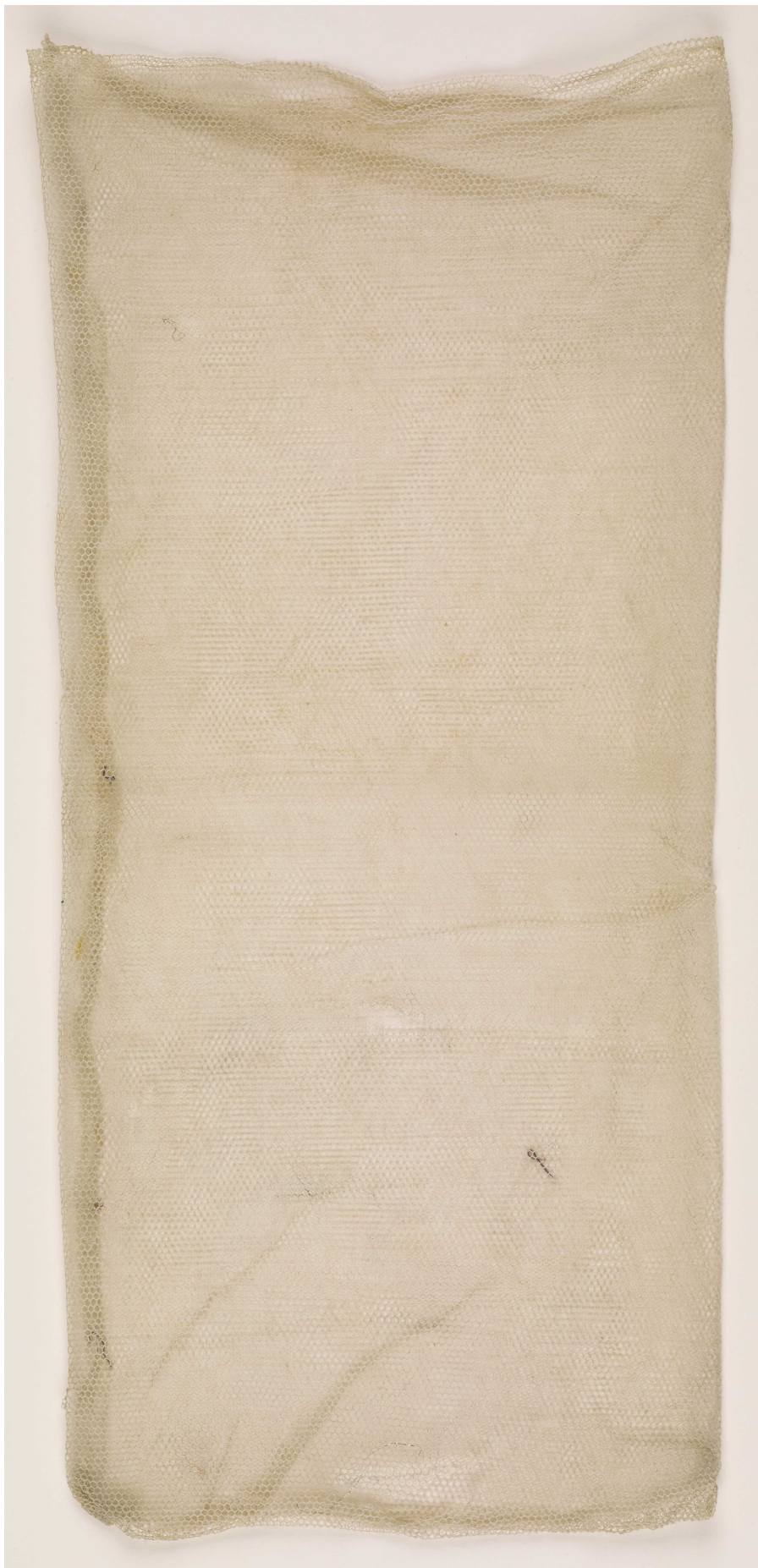


A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [i-r] (7/20)





A Ceremonial Illuminated Letter in Persian and a Kharita [i-v] (8/20)



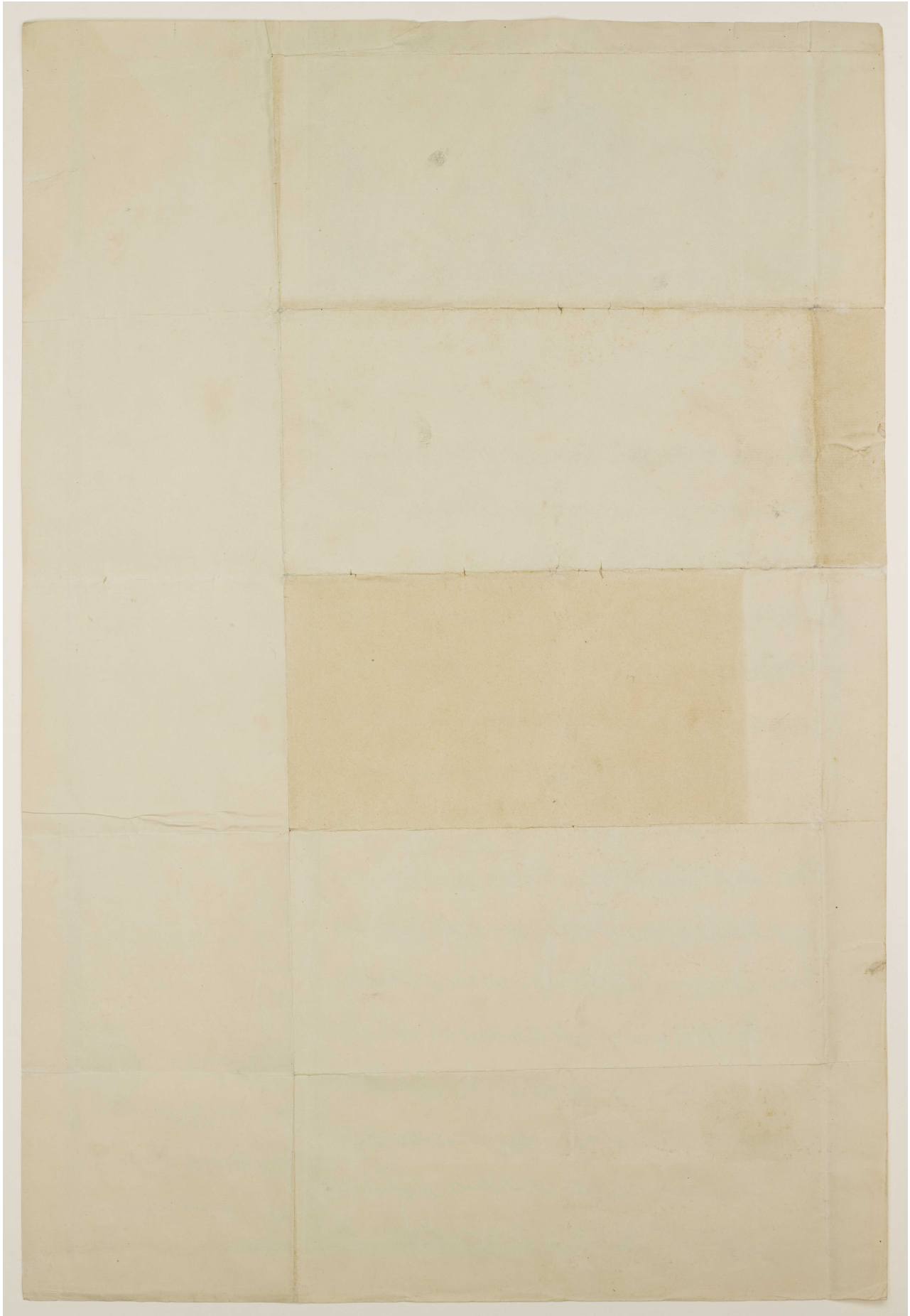




Handwritten notes and a circular seal in the right margin.



A Ceremonial Illuminated Letter [1v] (2/2)





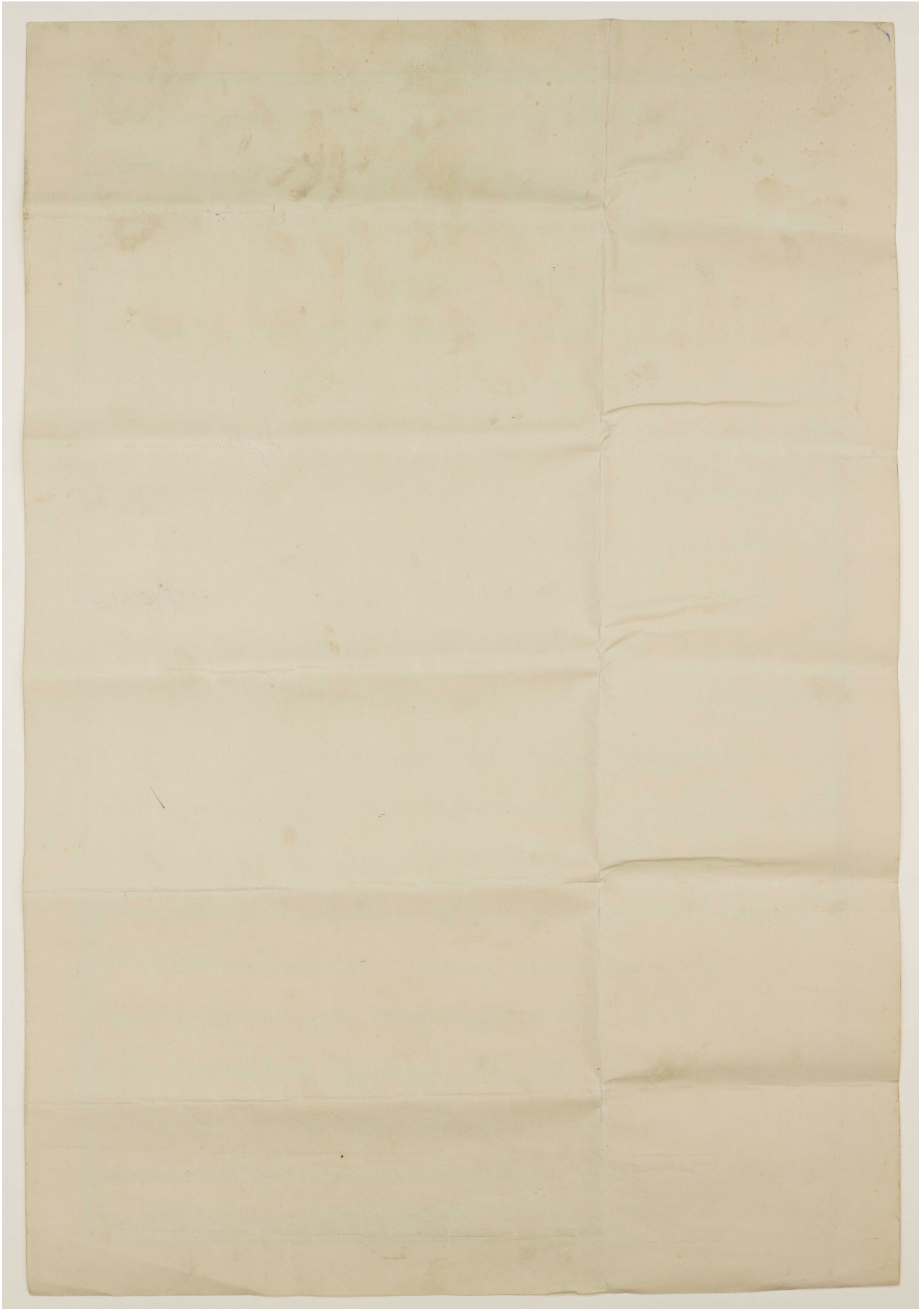






یانه برای همین جواب نامبرده بدین مضمون که بجناب بحضور فرستادم رسید و نامبرده می نویسد که مراسله مذکور تا الحال نزد نامبرده می باشد من از ترس اطراف این تنها  
 ناراض شده ام که چنانچه مراسله مرا بحضور شهر یاری نفرستاد و یا چرا امر ازین حرف اطلاع نداد که بحضور نفرستاده است و یقین دارم که حضرت  
 شهر یاری این را ضعیف مرا که من از سنا لاطرفین دارم همای من تقسیم خوانند فرمود یعنی از نامبرده ناراضی ظاهر خوانند فرمود من برای نامبرده به هیچ قسم  
 شکل معافی را نمی بینم که چرا که مراسله مرا که درباره مقرری خود برای آن دوست خود نوشته بودم و در آن اظهار دوستی را کرده بودم در اثنا یک  
 راه دردی میگرد و در آن من بدون توقف برای آن دوست خود خواسته بودم که اظهار دوستی خود را بکنم عرصه پنجاه ازین حرف گذشته اند و تا  
 مراسله من بحضور شهر یاری نرسیده است و ضرورت حضرت شهر یاری ازین خاموش ماندن من که بحضور شهر یاری اطلاع نداده ام چیران  
 بود و وقت که از ترس اطرافین من مراسله را پس گرفتم پس من بحضور شهر یاری ارسال خواهم نمود الحال صرف برای من اینقدر باقی مانده است  
 که دوباره بنویسم که من در آن مراسله چه نوشته بودم و قبل از روانه شدن خود من بحضور ملکه معظله و قیصره هند چگونگی بودم بر تمامی تقریرات  
 علامات آن مهربان آگاهی تمام بدوستدار حاصل گردید امید از خداوند دارم که سبب استحکام دوستی دولت بهیته برطانیه و افغانستان دایمی  
 و به استحکام دوستی وجود آن دوست گرام شود که یادگار زمانه با ماندن در باب سطرین می نویسم که دوست عزیز من من سطرین را بسیار تربیت کرده  
 چونکه آنکس زاده بود با وجود آن دایم النهار بود که سال هزار شیشه شراب می آشامید فضول بود پس هر چه کرده آهن کرد کوفته بابر آن من سنا لاطرفین را از  
 بد معاشی او که در کارخانه انجن کابل همای اهل کار انجن زد و کوب هر روزه داشت و اهل کارهای انجن عوض کردند که اگر شما سطرین را از نو کوری خوا  
 نکند پس ما مردم را از نو کوری جواب کنید بنا بر آن سطرین را از نو کوری جواب داده بودم اولشما خلاف گفته بودم که مرا امیر صاحب در کابل خوانست  
 من سخنواسته بودم و در حال خورشیدی شوم که آن خطی را که سطرین روان کرده بازان مهربان برای من روان کند خورشیدی بر خورشیدی  
 می آفرید و در باب تقریری آن مهربان به فرمان فرمایته هندوستان با وجود آنکه خط آن مهربان بمن نرسیده بود اما امید انتم که به این وقت  
 پراشتوب هندوستان و افغانستان مثل آن دوست برای سطرین کرده کردن لازم است یقین کامل داشتم که آن دوست من مقریر  
 هندوستان خواهند شد و نیز آن مشفق نوشته اند که این حرف برای من از سطرینات معلوم شد که من یک شیگون نیک  
 در بین دوستی دایمی و عزت دولت برطانیه اعظم و دولت افغانستان باشم دوست عزیز من امید از خداوند دارم که این چنین شود  
 و انشاء الله خواهد شد دیگر نوشته اند که این چنین ویرای هندوستان که در یک زمانه همان حضرت شهر یاری در کابل بود و از همان وقت  
 تا الحال دوست شما بوده است و من یقین دارم که این دوستی ذاتی جانین و دوستی دولتین تا ایام حکومت من روز تیره قائم و محکم  
 شده برود و دوستداری نویسد که انشاء الله امید بخداوند دارم اما حیث سال های گذشته آن مشفق نوشته اند که من سخنواسته  
 تمام می خواهم که اگر موقه دست بدید این مهربان نوازی و مسافر نوازی حضرت شهر یاری که در حق من عنایت فرموده بودند در





وقت که من کرامت حضرت شهبازی سیاحت میکردم ادا سازم یعنی عوض آن را ادا کنم و آن موقعه را خوش آمد بگویم دوست عزیز  
من خیال شما و خیال من در خیه خواهی هر دو جانب است امید بخداوند که بر آورده خیر کند این که از سلامتی وجود عزیز خود دستار را نوید  
داده و جویای صحت مندی و احوال دوستدار گردیده بودند من هم آنچه نوشته صحت روحانی کامل دارم اگر قدری عیبی است جفانی است آنچه  
روحانی خوب صحت و سلامت است باقی سلامتی آن عزیز را از خداوند میجویم انشاء الله فقط ایام عزت و شاد کای مستدام باد  
تحریر فی یوم یکشنبه ۲۱ شهر رمضان المبارک ۱۲۶۰ هجری مطابقت ۱۵ مه جوزی ۱۸۹۹ عیسوی  
امیر عبد الرحمن صاحب الملک والدرای



بسم الله الرحمن الرحیم



Kharita [4v] (6/10)





5

Alfa ha amada  
Inda a kayay  
Jan 1899

ابن زكوة شمس مصلح لوجاب عظمت وجلت آيات فاضل ومن عفت ايات نورا تملق بك القاب  
السلامة

حسب توام والامرتب كس طارح كرون ص ١٨٧

ظانف كرونه رسيه ص ١٨٧

١٨٧٢

از جنبه اير صاحب بهار ضياء الله والدين بهار  
فخمة رعلات انك نون و  
تسعة آل

Kharita [5v] (8/10)

